



آقای میرسعیدی به واسطه شناختی که از شما دارم، می‌دانم عکاسی را با عکاسی از گونه‌های جانوری بوستان ملت مشهد شروع کرده‌اید اما دلایلش را نمی‌دانم. با همین دلیل شروع کنیم.

سال ۱۳۹۰ وقتی در بوستان ملت خدمت می‌کردم، به دلیل علاقه‌ای که به عکاسی داشتم، رفتم پیش حمید نجاتی که از فروشندگان دوربین و علاقه‌مندان به عکاسی است. به او گفتم: «چه کار کنم؟» گفت: «شما که در پارک هستی، از پرنده‌های پارک عکاسی کن، او» که در جریان بود که عزیزی چند سال قبل برای ساخت یک مستند از پرنده‌های شهری به بوستان ملت رفته اما موفق نشده است، برای همین پیشنهاد داد: «شما که همیشه در پارک هستی، این کار را انجام بده.» من در کنار آموزش، عکاسی از پرندگان شهری را شروع کردم. سال ۱۳۹۲ داشتم برخی از عکس‌هایی را که گرفته بودم به آقای نجاتی نشان می‌دادم. او که عکس‌ها را یکی یکی رد می‌کرد، روی یکی از عکس‌ها توقف کرد و گفت: «این که اینترنتی است!» گفتم: «نه، خودم در پارک ملت گرفته‌ام.» گفت: «محال است.» گفتم: «اتفاقاً تعداد زیادی از همین پرنده‌ها الان در پارک ملت‌اند.» گفت: «این پرنده بال لاک‌ی است، بومی سبیری، بال لاک‌ی زمستان‌ها به سمت جنوب مهاجرت می‌کند و به مشهد نمی‌آید..» آن عکس نکته مهمی در خود داشت و سند این بود که مهاجرت این پرنده تغییر کرده است. من عکس‌های مربوط به بال لاک‌ی را در یک گروه پرنده نگری کشوری گذاشتم. به ساعت نکشید که از چندین جای ایران با من تماس گرفتند تا فقط درباره مکان حضور این پرنده اطلاعات بگیرند و برای عکاسی از آن بایند. چندین نفر هم به مشهد آمدند. من آنجا فهمیدم که حضور یک پرنده در یک اقلیم با یک شهر چقدر مهم است. فهمیدم همان طور که مشهد به حرم امام رضا<sup>ع</sup> یا آرامگاه فردوسی شهره است، می‌تواند به نام یک پرنده هم مشهور باشد و تعریف شود. خوشبختانه بال لاک‌ی هر زمستان به مشهد می‌آید و به همین واسطه هم هر سال عکاسانی به مشهد می‌آیند تا فقط از این پرنده زیبا عکاسی کنند. مشهد مقصد اصلی این پرنده است و جز چندثبت که در خراسان شمالی صورت‌گرفته بقیه ثبت‌های بال لاک‌ی مربوط به مشهد است.

از پرنده‌ای نام بردید که بومی سبیری است. در مقابل می‌شود از گونه‌هایی هم نام برد که مختص اقلیم خراسان باشند و در جای دیگری از کشور پیدا نشوند؟ نمی‌شود گونه خاصی را انتخاب کرد که فقط و فقط در مشهد یا خراسان باشد. گونه‌هایی در اطراف مشهد بیشتر هستند اما در جاهای دیگر هم می‌شود آن‌ها را دید. درکل حیوانات و به خصوص پرندگان در گستره وسیعی پراکنده می‌شوند، پس باید آن‌ها را در اقلیم وسیع‌تری بررسی کنیم. اگر ایران را در نظر بگیریم، می‌توانیم گونه اندمیکی یا بوم‌زادی چون «زاغ‌بوره» را نام ببریم که مختص کشور خودمان و کوچک‌تر از کبک است و بیشتر در کویر سمنان دیده می‌شود اما در دیگر جاهای کویری ایران هم ممکن است باشد، اما خارج از ایران ثبت نداشته است و افراد خارجی زیادی به ایران می‌آیند تا از این پرنده عکاسی کنند. شده‌اند که جزو گونه‌های کم‌رکورد هستند. مثلاً من دو سال پیش سهره نوک‌چیچی را در بهشت‌رضا<sup>ع</sup> رکورد کرده‌ام که کمتر از ۱۰رکورد در کل ایران دارد. پرنده به‌شدت کمیابی است، یا سسک تاج‌طلایی که برخی معتقدند کوچک‌ترین پرند ایران و حتی خاورمیانه است. اسفند گذشته در بوستان وکیل‌آباد رکوردش کردم. این پرنده‌ها بسیار کم‌رکوردند اما بازم نمی‌شود گفت که فقط مربوط به اقلیم ما هستند. مهاجرت که می‌کنند، عکاسان آن‌ها را پایش می‌کنند و عکسشان را می‌گیرند. این‌طور است که به تعداد گونه‌های پرندگان کشور اضافه می‌شود. فرضا سهره‌سیاه در مشهد ثبت نشده بود اما پارسال یک جفت از آن به بوستان وکیل‌آباد آمد، یاگونه‌های کنار آیزی که پیشترشان حشره‌خوار هستند، درکشف‌رود امروزی خیلی بیشتر از دیروز و جاهایی هستند که آب تمیزتر دارد.

اما می‌شود تعداد گونه‌های پرندگان خراسان را تخمین زد. اگر اشتباه نکنم در کشورمان حدود ششصد گونه پرنده شناخته‌شده داریم که این تعداد به واسطه مهاجرت گاهی کم و گاهی زیادتر می‌شوند، مثلاً به واسطه پرنده نگری و پایش عکاسان می‌توانیم بگوییم که امسال حدود ۸گونه جدید از پرندگان به زیست‌بوم کشورمان اضافه شده‌اند. به همین نسبت ۳۴۵گونه‌ای هم که در سال ۱۳۹۵ در اطلس پرندگان ایران برای خراسان ثبت شده، اکنون به حدود ۳۵۰گونه رسیده‌اند.

همان‌گونه که بناهای تاریخی، چهره‌های فرهنگی و نواهای محلی، بخشی از هویت جمعی هر جامعه‌هستند، ذخایر ژنتیکی و حیوانی اقلیم همان جامعه نیز در زمره عناصر هویت بخش قرار می‌گیرند. با نگاهی به جغرافیای ایران می‌توان گفت که اهمیت این ذخایر اگر از بناها، چهره‌ها و نواها بیشتر نباشند، بی‌شک کمتر هم نیست، ازاین جهت باید برای حفاظت از آن‌ها نیز هست، و ویژه‌ای



روزنامه نگار و مسئول پارت

داشته باشیم و تعارضات موجود میان انسان و محیط اطرافش را به حداقل برسانیم تا برای نسل آتی، سرزمینی با میراث طبیعی گران‌بها به ارث بگذاریم. در این مسیر، قبل از هر چیز باید میراث طبیعی خود را شناخت. خوشبختانه در سال‌های اخیر افراد زیادی به این حوزه علاقه‌مند شده‌اند و تلاش می‌کنند در قالب طرح‌ها و برنامه‌های مختلف، هویت جانوری و ژنتیکی ایران را به دیگران معرفی کنند. پرنده نگری در زمره همین برنامه‌هاست که اگرچه در دسته سرگرمی‌های مربوط به دیدن و بررسی پرندگان در طبیعت



مرغ حق یکی از کوچک‌ترین انواع جغد است و بیشتر در درخت‌های نزدیک به مناطق مسکونی، باغ‌ها و باغچه‌ها و همچنین در ساختمان‌های قدیمی دیده می‌شود. صدای این پرنده طوری است که بعضی از مردم فکر می‌کنند، حق، حق، می‌گوید.



اگرچه صید سهره (سبیره یا سره) غیرقانونی است. هرسال هزاران سهره به دلیل آواز و ظاهر دلربای خود در دام گرفتار و به‌عنوان پرنده قفسی فروخته می‌شوند.

یعنی ما همه گونه‌های قبلی را پایش کرده‌ایم که می‌گوییم این گونه‌ها جدید آمده‌اند؟ به‌هرحال اطلاعات آن‌ها به‌عنوان گونه‌های بوم‌زاد یا مهاجر در اطلس جانوری ایران ثبت شده است. در سال‌های اخیر که فرهنگ پایش بیشتر شده و افراد زیادی به آن ورود کرده‌اند، این امکان فراهم شده است که بشود گونه‌های جدیدتر را هم رصد کرد. به‌طور حتم این‌اگر این فرهنگ فراگیر شود، گونه‌های حیوانی بسیار بیشتری نیز خواهیم داشت. اکنون ما در استان خراسان رضوی حدود سی پرنده‌نگر داریم که اگر تعدادشان بیشتر شود، پرندگان بیشتری هم رصد خواهند شد و امکان کشف گونه‌های بیشتر افزایش خواهد یافت. سال ۱۳۹۲ شاید پنج نفر بیشتر نبودند. افرادی مثل دکتر علی خانی، دکتر مرتضی منفرد، دکتر مرتضی کشاورز، مهندس علی مهدوی و مهندس مهدی نقیبی‌ان قدر مداومت به خرج دادند که امروز حدود سی پرنده‌نگر داریم که دست‌برقضا ثبت‌ها و رکورد‌های خوبی هم دارند.

خروجی این پرنده‌نگری چیست؟ آیا فقط یک عکس زیباست که ما از یک‌گونه پرنده «ولو کمپاب» می‌بینیم؟ حداقلش این است که اقلیم جانوری خودمان را بهتر و کامل‌تر می‌شناسیم. برای بیشتر مردم گونه‌های مشهد و اطرافش یا گنجشک هستند یا کلاغ یا عقاب، اما از نزدیک که مشاهده می‌کنید، هرکدام ویژگی‌های خاص خود را دارند. دیگر اینکه محیط زیست هر ساله آماری از سرشماری گونه‌های جانوری می‌دهد، اگر به این آمار نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که چقدر گونه‌های در خطر انقراض داریم اما در این آمار محل دقیق حضور جانوران یا پرندگان مشخص نیست. ثبت یک پرنده‌نگر در سایت‌هایی چون ای‌برد «eBird» (سایت جهانی پرنده‌نگری) هست که زمان و مکان دقیق حضور آن‌ها را برای مطالعه دقیق‌تر به ما می‌دهد. از همین طریق است که فرضا می‌دانیم سال گذشته حدود ۲۵۰قطعه از گونه درخطر انقراض عقاب صحرایی در اطراف مشهد داشته‌ایم. در پرنده‌نگری فقط می‌رویم که چک کنیم و ببینیم چه گونه‌ای آمده است و آن را ثبت می‌کنیم. شاید هم عکس خاصی بگیریم و فقط از پشت دوربین چشمی و با گوشی یک عکس کم‌کیفیت بگیریم اما می‌دانیم که همین هم کافی است و می‌تواند اطلاعات خوبی به محققان بدهد. خوشبختانه الان روی خروجی کار پرنده‌نگرها، چند گروه دانشگاهی در مشهد مشغول مطالعه و بررسی هستند. هر چه افراد بیشتری در این حوزه داشته باشیم، به همان نسبت داده‌های آماری بیشتری از گونه‌های جانوری محیط خود داریم و می‌توانیم نحوه تعامل خود با آن‌ها را به بهترین نحو ممکن سامان دهی کنیم.

برای همین است که تمرکزتان فقط روی پرندگان نیست؟ بله، من از هرگونه جانوری که ببینم، عکاسی می‌کنم. متأسفانه مشهد که کل و بز یا حیوان وحشی پستاندار بزرگی ندارد، ازاین‌رو به نوعی مجبوریم برویم سراغ پرنده نگری؛ باوجوداین، اگر سوسمار یا روباه یا ماری

درباره پرنده‌نگری و هویت جانوری اقلیم خراسان در گفت‌وگو با سعید میرسعیدی، عکاس و طبیعت‌گرد مشهدی

# پرندگان هم هویت مشهد هستند

قرار می‌گیرد، بخشی از بوم‌گردی یا اکوتوریسم نیز به‌شمار می‌رود. در شهر مشهد چندین علاقه‌مند به‌طور حرفه‌ای به پرنده‌نگری و ثبت گونه‌های آن می‌پردازند؛ یکی از آن‌ها سعید میرسعیدی است که در چندسال اخیر علاوه بر پرنده‌های اطراف مشهد، همه‌گونه‌های جانوری بوستان‌های ملت، بهار و وکیل‌آباد مشهد را نیز تصویربرداری کرده است. اردیبهشت پر از پرنده بهانه خوبی بود تا لحظاتی با این عکاس و طبیعت‌گرد مشهدی از پرنده نگری و هویت جانوری اقلیم خراسان بگوییم.



بال لاک‌ی‌ها پرندگانی شاخه‌نشین هستند، مشخصه اصلی این پرنده بره‌ای نرم و ایریشم ماننداوست کهما اینک معنای نام علمی آن نیز دم ایریشمی هست.

به‌طورکلی کم یا زیادشدن گونه‌های جانوری چه چیزی را به ما می‌گوید؟

نمونه شهری‌اش را مثال می‌زنم؛ در شهر گونه‌های حیوانی مهاجمی داریم مثل کلاغ‌زاغی یا مینا که وقتی زیاد شوند، به‌طور حتم گونه‌هایی که ضعیف‌تر و کوچک‌تر هستند کم می‌شوند. به چشم دیده‌ام که کلاغ گردن‌بور در لانه‌اش بوده و مینا رفته است و جوجه‌های او را بیرون انداخته و لانه را برای خودش پاک‌سازی کرده است. این تازه کلاغ است و نسبتاً درشت و قوی، شما خودتان تصور کنید که باگونه‌های ریزتر چه می‌کنند. گنجشک را که اصلاً می‌خورند.

و چنین چیزی ربط مستقیم دارد به رفتار انسان؟ بله. درکل وقتی پرنده‌های کوچک در چرخه طبیعت باشند، عملاً نیاز چندانی به سم شیمیایی نیست، چون آن‌ها حشره‌خوار هستند و آفات را می‌خورند، ما باید از این گونه‌های ضعیف حمایت کنیم اما درمقابل یک‌گونه مهاجم مثل مرغ مینا را به‌عنوان حیوان خانگی می‌گیریم و بعداز مدتی‌که خسته می‌شویم، رها می‌کنیم، غافل از اینکه حضور او چقدر برای پرنده‌های کوچک خطرناک است. مرغ مینا همه چیزخوار است و با بودنش پرنده‌های کوچک حذف می‌شوند. در آن‌سو به گریه‌ها و سگ‌های شهری، احساسی، بی‌رویه و غیرمسئولانه غذا می‌دهیم، جمعیتشان زیاد می‌شود و ما نمی‌دانیم افزایش آن‌ها یعنی تهدید همه‌گونه‌های بومی. شاید عجیب باشد اما سگ‌ها در طبیعت گله تشکیل می‌دهند و به یوز ما آسیب می‌رسانند. همین‌طور گریه‌ها پرندگان را بی‌رویه شکار می‌کنند، چون ما زیادشان کرده‌ایم. سگ‌ها و گریه‌ها در حالت طبیعی هرگز به چنین جمعیتی نمی‌رسند. ما فکر می‌کنیم کار خوبی می‌کنیم، اما در واقعیت چنین نیست و به ضرر طبیعت است.

این روزها تب طبیعت‌گردی و کوهنوردی خیلی داغ است اما خیلی از این عزیزان نمی‌دانند سروصدایی که ما در کوه و طبیعت ایجاد می‌دانیم، چقدر برای

حیوانات استرس‌زاست، نمی‌دانند حیوانات چقدر از دیدن لباس‌های رنگارنگی که می‌پوشیم و با طبیعت هیچ‌سنخیتی ندارد، احساس خطر می‌کنند. باید یاد بگیریم که همخوان با خود طبیعت رفتار کنیم. قدیمی‌های ما با طبیعت همراه بوده‌اند، اما ما روبه‌رویش ایستاده‌ایم.

در قدیم اطراف مشهد پرندگانی داشته‌ایم که حالا نیستند، چون با حضور ما آن‌ها دورتر رفته‌اند. قدیمی‌های رضا شهر می‌گویند کل و بز تا همین پای‌کوه پایین می‌آمده‌اند، اما وقتی ما کوه را خانه خودمان کرده‌ایم، حیوانات باید به‌عمق و ارتفاع کوچ کنند، جایی که غذای کافی ندارند، ازاین‌رو با تلف می‌شوند یا نهایتاً اینجا را ترک می‌کنند و به محیطی دیگر می‌روند که با آنجا هم مشخص نیست بتوانند سازگار شوند، یا نه. درکل هرچه پیشرفت مادر طبیعت زیادتر شود، جانوران کم می‌شوند.

مطالعه‌ای هست که فرضا بگوید پرندگان قدیم مشهد چه بوده‌اند؟ چنین مطالعه‌ای نداریم اما مشخص است که پرندگان کم شده‌اند. از نظر گونه شاید بیشتر شده باشند، اما از لحاظ تعداد، قطعاً کم شده‌اند، سال به سال هم کمتر می‌شوند. کافی است نگاهی به اطراف خانه خود بیندازید، می‌بینید که پرندگان کوچک خیلی کم شده‌اند، هر چه هست، یا گونه‌های مهاجم است، یا اقت.

مردم چه می‌توانند بکنند که گونه‌های کوچک شهری بیشتر شوند و درعین‌حال حمایتشان شبیه به حمایتی نباشد که گونه‌های مهاجم را زیاد می‌کند. اول اینکه پرندگان کوچک هیچ‌وقت مهاجم نمی‌شوند. خوراک آن‌ها فقط دانه و حشره است؛ مثلاً چرخ‌ریسک یا گنجشک هر چه بیشتر شوند، به نفع طبیعت است؛ بماند که چقدر طبیعت را زیباتر می‌کنند. مردم عادت کرده‌اند پس‌مانده غذایشان را بریزند به این امید که پرندگان بخورند. ما برنج چرب و پرادویه را می‌ریزیم و پرنده هم از روی گرسنگی می‌خورد و می‌میرد، بگذاریم زندگی عادی خودشان را بکنند. مصداق همان مصرع معروف که می‌گوید مرا به خیر تو امید نیست، شر م‌رسان. فقط شکارشان نکنیم و برایشان مزاحمتی ایجاد نکنیم که مبادا از نزدیکی ما فرار کنند. متأسفانه رفتار ما باعث شده است دامنه ترس پرندگان اطرافمان خیلی گسترده‌باشد. درحالی‌که در کشور همسایه‌مان، پاکستان، گوشت را کنار خیابان می‌اندازند و لاشخور می‌آید و در کمال آرامش می‌خورد.

به نظرم خروجی صحبت ما این است که «پرنده‌ها جزو جدایی‌ناپذیری از هویت مشهد و به‌نوعی شناسنامه شهر هستند» اما به نظرتان چرا در محاسبات هویتی ما به‌حساب نمی‌آیند؟ چون برایش آموزش ندیده‌ایم. چند سال پیش یک باشگاه مردمی پرنده نگری با همت و پیگیری‌های مدیران وقت مجموعه هفت حوض مشهد، مهندس مهدی زارعی و مهندس علی مهدوی راه افتاد که هم بانک اطلاعاتی خوبی داشت، هم کتاب‌ها و تجهیزات مناسب. کوهنوردان، طبیعت‌گردان و دانشجویان آنجا آموزش می‌دیدند که با پرندگان چطور رفتار کنند. آن‌ها این آموزش‌ها را به دیگران انتقال می‌دادند. اما حالا با رفتن این دوبرگوار باشگاه تعطیل است. اگر آنجا تعطیل نمی‌شد و چند مرکز دیگر هم کنارش برقرار می‌کردیم، نسل امروز و فردای این کشور می‌دانستند که پرندگان هم هویت مشهد هستند و حضورشان چه اهمیتی دارد و خیلی باید مراقبشان بود.



در میان پرنده‌های مهاجر که به مشهد می‌آیند بال لاک‌ی بسیار زیباست. در گونه‌های بومی هم می‌شود چرخ‌ریسک را به‌عنوان نماد مشهد انتخاب کرد. باوجوداینکه در جاهای دیگر هم هست چرخ‌ریسک در میان پرندگان نغمه‌خوان از همه پراثرنری‌تر و در مقابل گرسنگی از همه کم‌طاقت‌تر است، ازاین‌رو تلفات این پرنده در فصل زمستان زیاد می‌شود. چرخ‌ریسک را البته همه به اسم گنجشک می‌شناسند.

این میراث، سهم خود را ایفا کند. مگر نه اینکه برای دفاع از جغرافیای وطن، همه به جان ایستادیم؟ امروز هم برای دفاع از جغرافیای هویتی و مستندمان باید با همهٔ توان بایستیم. نوزدهم اردیبهشت، نه‌تنها روزی برای تجلیل از گذشته، بلکه تذکری است برای مسئولیت امروز ما در نگاهبانی از هویت و اصالت برای فردا و عصرهای آینده و نسل‌های آینده. باشد که بتوانیم این میراث تمدن‌ساز را به نسل‌های بعد برسانیم؛ ان شاء...!

آن‌ها وظیفه ملی و تمدنّی امروز ماست، امروز به انجام وظیفه، پاسداری و پاسبانی می‌کنیم تا دیروز و فردا را از ماندزدند که کم هم دست‌دراز نمی‌شود از این سو و آن سو برای این امر اذیگرسو، در جهانی که سرعت از ریشه‌ها و بنیادهای فکری و فرهنگی مان دور می‌سازد، با‌دآوری ارزش میراث مکتوب، ضرورتی دوچندان می‌یابد. بایسته است که نسل امروز با گذشتگان و چراغ راهی برای آینده‌اند. ازاین‌رو، پاسداشت و حفاظت از

## پاسداران، هویتِ مستندِ ایرانی‌م!

نسخ خطی، کتب کهن و متون مکتوب، همچون آینه‌هایی شفاف، تصویری از سیر تمدنی، اندیشه‌ورزی، ساختارهای اجتماعی و تحولات تاریخی یک ملت را بازتاب می‌دهند. این آثار، حلقه‌های اتصال نسل امروز با گذشتگان و چراغ راهی برای آینده‌اند. ازاین‌رو، پاسداشت و حفاظت از

محمدبن یعقوب کلینی، محدث و دانشمند برجسته شیعه، نیز گرامی داشته می‌شود. او که با نگارش اثر فاخر الکافی، چراغی فروزان در مسیر فهم و انتقال آموزه‌های اسلامی برافروخت، نماد جایگاه والای میراث مکتوب در پایداری هویت دینی و فرهنگی ماست. در نگاه ما، اسناد تاریخی،

دوباره کنیم به ارزش والای ذخایر مکتوب و اسناد تاریخی. این گنجینه‌های بی‌بدیل هویت ملی، گنج‌هایی که باید حفظ کرد و با قدرت پای آن ایستاد و الاجتنگ طلبان برای دزدیدن برگ برگ آن حتی برای سرعت نوزدهم اردیبهشت، روزی خجسته و پرمعنا در تقویم فرهنگی ایران است؛ روزی که به‌عنوان «روز اسناد ملی و میراث مکتوب» فرصتی فراهم می‌آورد تا نگاهی

سند‌ها حرف نمی‌زنند. اما حرف‌های خواندنی فراوان دارند. همین هم به آنان اعتباری می‌بخشد که تقویم هم بدان معتبر می‌شود. نوزدهم اردیبهشت، روزی خجسته و پرمعنا در تقویم فرهنگی ایران است؛ روزی که به‌عنوان «روز اسناد ملی و میراث مکتوب» فرصتی فراهم می‌آورد تا نگاهی

مجتبی مصمودی‌مه‌اندو است رئیس مرکز اسناد و کتابخانه ملی کشور



شنبه ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۴ شماره ۳۳۶

۱۵



## تاریخ و هویت

بالای صفحه: عقاب صحرایی سعید میرسعیدی